

پویایی شناسی سیره حضرت علی علیه السلام در مدیریت بحران جنگ جمل

مجید حسنی *

ولی الله نقی پور فر **

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۹/۰۷

دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۲۵

چکیده

سیره حضرت علی علیه السلام با توجه به آن شخصیت والای عرفانی، انسانی و دلیرانه سرشار از نکات آموزنده و پندآمیز بوده که می‌تواند سالها بعد نیز با الگوهای نوین علمی مقایسه و به‌عنوان سرمشق‌های برتر و سرآمد مورد بررسی قرار گیرد. سیره مدیریت ایشان در جنگ جمل از بُعد مدیریت بحران سرشار از آموزه‌هایی است که با متدلوژیهای مدیریت بحران هماهنگ بوده، با این ویژگی که علاوه بر بهره‌برداری از تمامی ظرفیتهای و فن‌های مدیریت بحران علمی، از ظرفیتهای اسلامی و قرآنی نیز بهره‌برداری حداکثری صورت پذیرفته است. این پژوهش بر اساس مطالعه ادبیات موضوع و با رویکرد توصیفی و با بهره‌گیری از نظر خبرگان حوزه و دانشگاه صورت پذیرفته و رویکردهای مدیریت بحران عصر حاضر را مورد توجه و مقایسه قرار داده است و سیر عملی مدیریت بحران حضرت را در جنگ جمل معرفی می‌کند. در این مقاله با بهره‌گیری از نگرش پویایی سیستم حلقه‌های پویایی مدیریت بحران در جنگ جمل شناسایی، و نظریه تعادلی در بحران جمل بررسی شده است. سیره عملی حضرت بر بهره‌گیری کامل و حداکثری از استعداد و توانمندیهای دینی، فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد و رویکردی یادگیرنده و آموزشی به‌منظور پیشگیری از بحرانهای آینده و بازسازی روانی، اجتماعی و زیرساختی را به‌منظور ارتقای سطح سلامت جامعه مد نظر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی علیه السلام، جنگ جمل، مدیریت بحران، تاریخ اسلام، پویایی سیره حضرت علی علیه السلام.

مقدمه

سیره و سبک حضرت علی(ع) سرشار از الگوی ناب و عملی مدیریتی است و می‌تواند در جوامع اسلامی و بویژه شیعیان به‌عنوان الگوی برتر مدیریتی در حوزه‌های مختلف بخصوص حوزه‌های حکومتداری و اداره نظام و مدیریت جنگ مورد توجه و بهره‌برداری حداکثری قرار گیرد.

حضرت علی(ع) در دوران خلافت خویش در چندین جبهه به مبارزه پرداختند. یکی از این جبهه‌ها جبهه ناکثین بود. ناکثین، یعنی شکنندگان و در اینجا یعنی شکنندگان بیعت؛ اینها اول با امیرالمؤمنین بیعت کردند، ولی بعد بیعت را شکستند. اینها مسلمان بودند، خودی بودند؛ منتها خودی‌هایی که حکومت علی بن ابی‌طالب را تا آنجا قبول داشتند که برای آنها سهم قابل قبولی در آن حکومت وجود داشته باشد؛ با آنها مشورت بشود؛ به آنها مسئولیت داده بشود؛ به آنها حکومت داده بشود؛ به اموال و ثروتهای بادآورده که در اختیارشان هست، تعرضی نشود. سردمداران این گروه بویژه طلحه و زبیر، که در پوشش احترام به عایشه همسر پیامبر(ص) و کمکهای بی‌دریغ بنی‌امیه، که در حکومت امام(ع) دستشان از همه جا کوتاه شده بود، سپاهی گران برای تصرف کوفه و بصره ترتیب دادند و خود را به بصره رساندند و آنجا را تصرف کردند. امام(ع) به تعقیب آنان پرداخت و نبردی میان طرفین برپا شد که در آن طلحه و زبیر کشته شدند و سپاه آنان متفرق شد و گروهی از آنان به اسارت درآمدند که بعداً مورد بخشش امام(ع) قرار گرفتند (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷). سبک مدیریتی ایشان و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت و استعدادهای مدیریت بهینه جنگ و فائق آمدن بر بحرانها می‌تواند به‌عنوان سیره عملی و اجرایی مورد توجه قرار گیرد (دشتی، ۱۳۸۵ ب). سیره ایشان در مدیریت بحران جنگ جمل با الگوهای مدیریت بحران امروزی همراه است؛ با این تفاوت که از ظرفیتهای اسلامی و انسانی نیز حداکثر بهره را نیز برده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

چگونگی آغاز جنگ جمل: در حقیقت علت اصلی وقوع جنگ جمل، اختلاف طبقاتی مردم بود که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، خلفای وقت آن را به وجود آورده بودند و چون خلافت علی علیه السلام نهضتی انقلابی علیه روش گذشتگان و باز گرداندن اوضاع به زمان پیغمبر اکرم صلی الله بود از این رو گروهی مانند طلحه و زبیر، که خود را در خلافت آن حضرت از نظر موقعیت اجتماعی مانند افراد عادی مشاهده کردند و منافع مادی خود را در خطر می دیدند، تصمیم به ایجاد فتنه و بحران آفرینی گرفتند (دشتی، ۱۳۸۲؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

طلحه و زبیر از یاران رسول اکرم (ص) بودند؛ ولی چنان موقعیت و قدرتی نداشتند که به تنهایی بر ضد حکومت مرکزی بشورند و سپاهی را از مکه تا بصره رهبری کنند. اگر همسر رسول خدا (ص) در میان آنان نبود و اگر ثروت کلان امویان را در اختیار نداشتند در همان مکه توطئه آنان بر ملا و نقشه‌هایشان نقش بر آب می شد. آنان در پوشش خونخواهی عثمان و اینکه علی (ع) قاتل یا هوادار قاتلان اوست، مکه را به عزم بصره ترک گفتند و در طی راه پیوسته شعار «یا لثارات عثمان» سر می دادند.

گروه پیمان شکن، یعنی طلحه و زبیر و پیروان آن دو با اینکه با امام (ع) در روز روشن بیعت کرده بودند و فشار افکار عمومی و هجوم مهاجران و انصار، آنان را به بیعت واداشته بود، هنگام برافراشتن پرچم مخالفت مدعی شدند که ما بر حسب ظاهر و زبانی بیعت کرده بودیم و هرگز از صمیم دل به حکومت علی رأی نداده بودیم (دشتی، ۱۳۸۵؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر اگر چه عایشه از لحظه ورود به مکه پرچم مخالفت با علی (ع) را برافراشته بود و کدورتی از گذشته از حضرت بر دل داشت، هرگز برای اجرای نظر مخالف خود نقشه‌ای نداشت و هرگز در فکر او خطور نمی کرد که رهبری لشکری را بر عهده بگیرد و رهسپار بصره شود؛ لذا هنگامی که زبیر فرزند خود عبدالله را که خواهرزاده عایشه بود روانه خانه او کرد تا عایشه را برای قیام و رفتن به بصره تشویق کند، وی در پاسخ درخواست عبدالله گفت: من هرگز به مردم دستور قیام نداده‌ام. من به مکه آمده‌ام که به مردم اعلام کنم که امام آنان چگونه کشته شده است و اینکه گروهی با اینکه خلیفه را توبه دادند او را کشته‌اند تا مردم خود بر ضد کسانی قیام کنند که بر او

شوریدند و او را کشتند و زمام امور را بدون مشورت به دست گرفتند (دشتی، ۱۳۸۵ الف؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر وقتی خبر سرپیچی حاکم خودکامه شام به امام (ع) رسید، وی با سپاه خویش تصمیم گرفت که به ترمذ معاویه با قدرت پاسخ بگوید و در این فکر بود که ناگهان از پیمان شکنی طلحه و زبیر و حرکت آنان به سوی بصره آگاه شد. این سبب شد که آن حضرت با همان گروهی که عازم شام بود به سمت بصره حرکت کند تا بتواند پیمان شکنان را در نیمه راه دستگیر کند و فتنه را در نطفه خفه سازد.

اگر امام (ع) از حرکت آنان زودتر آگاه شده بود در نیمه راه دستگیرشان می کرد و دستگیری آنان بسیار آسان بود و با مقاومتی روبه رو نمی شد؛ زیرا اتحاد زبیر با طلحه، صوری بود و هر یک می خواست خود زمام امر را به دست بگیرد و دیگری را از صحنه طرد کند (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

امام در مسیر حرکت، تصمیم گرفت که به ارتش خود سازمان جدید دهد و از قبایل اطراف کمک بگیرد که تحت اطاعت امام بودند. سخنرانی فرستادگان امام بین قبایل شور عجیبی پدید آورد و صدای تأیید و تصویب از هر طرف بلند شد و اعضای انجمن، همگی، آمادگی خود را برای نصرت و کمک امام (ع) اعلام کردند. معمولاً فرستادگان امام به سبب اصالت خانوادگی و سابقه فردی در میان قوم خود نفوذ قوی داشتند (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

طلحه و زبیر پس از رسیدن به شهر بصره، نامه‌ای به استاندار بصره نوشتند و از او درخواست کردند که دارالاماره را در اختیار آنان بگذارد. استاندار مصمم بود تا پیش از اینکه آنان بر مردم بصره غالب شوند وی با مردم شهر صحبت کند و ایشان را آگاه سازد. از سوی دیگر مشخص شد طلحه و زبیر در میان مردم بصره حامیانی دارند و عایشه توانست با سخنرانی خویش شکافی در میان یاران استاندار پدید آورد. گروهی به تصدیق عایشه و گروهی به تکذیب او پرداختند درحالی که دو دستگی بر یاران استاندار حکومت می کرد و سرانجام گروهی از آنان به ناکثین پیوستند. آنها با تبلیغات مسموم توانستند گروهی از قبایل بصره را با خود همراه سازند. عایشه توانست قاضی بصره را نیز با خویش همراه سازد و افسار شتر را به ایشان سپرد (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷). در ادامه عایشه نامه‌ای به زید بن صوحان نوشت و در آن نامه او را فرزند خاص خود خواند و درخواست کرد که به گروه آنان بپیوندد یا لاقل در خانه‌اش بنشیند و علی را یاری نکند. زید در

پاسخ‌نامه او نوشت: رحمت خدا شامل حال ام‌المؤمنین باشد. به او امر شده است که در خانه خود بنشیند و به ما امر شده است که جهاد کنیم. او وظیفه خود را ترک کرده است و ما را به وظیفه خودش دعوت می‌کند! (دشتی، ۱۳۸۵؛ ب؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

در ادامه ناکثین طی کودتایی خونین و با زیر پا گذاشتن اصول جوانمردی، هنگام نماز عشا و به نقلی به هنگام نماز صبح به مسجد و دارالاماره حمله بردند و با کشتن مأموران حفاظت مسجد و دارالاماره و زندان بر حساسترین نقاط شهر مسلط شدند و سپس برای جلب توجه و اعتماد مردم، هر یک از سران به سخنرانی پرداخت.

ثبات استاندار در حفظ مقام و موقعیت امام(ع)، ناکثان را سخت عصبانی کرده بود؛ لذا در نخستین لحظاتی که بر او دست یافتند، او را لگدمال کردند و موهای سر و رویش را کندند. سپس در قتل او به مشاوره پرداختند و سرانجام تصویب کردند که او را رها کنند؛ زیرا از آن می‌ترسیدند که برادر او سهل بن حنیف در مدینه واکنش تندی نشان دهد. عثمان بن حنیف بصره را به عزم دیدار علی(ع) ترک گفت. هنگامی که امام(ع) او را به آن صورت دید از باب مطایبه فرمود: از سوی ما به صورت یک پیرمرد رفتی و اکنون به صورت یک جوان برگشتی! (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ شهیدی، ۱۳۷۷)

در این مرحله، نظر امام(ع) این بود که برای سرکوبی ناکثین از مردم کوفه کمک بگیرد، ولی در این راه والی کوفه ابوموسی اشعری مانع بود؛ زیرا هر نوع قیام را فتنه می‌پنداشت و مردم را از یاری کردن امام(ع) باز می‌داشت. امام نمایندگان متعددی از جمله امام حسن(ع) را به منظور دعوت مردم به جهاد به کوفه فرستاد و در نامه خویش مردم را به نام "جبهه الانصار" یاد کرد. اعزام نمایندگان متعدد و بی‌ثمر ماندن تمام کوشش‌ها، امام(ع) را بر آن داشت که ابوموسی را از مقام خود معزول دارد.

آن حضرت، همچون پیامبر اکرم(ص) می‌خواست پیش از رویارویی در میدان نبرد حجت را بر مخالفان تمام کند؛ هر چند حقیقت بر آنان آشکار بود. از این رو، نامه‌های جداگانه‌ای برای سران ناکثین، یعنی طلحه و زبیر و عایشه، فرستاد و در هر سه نامه عمل آنان را محکوم کرد و از آنان دعوت به رعایت بیعت منعقدشده کرد (دشتی، ۱۳۸۲؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

وقتی علی(ع) از تصمیم قطعی سران آگاه شد، ابتدا ابن عباس و سپس قعقاع بن عمرو را نزد ناکثین فرستاد. ایشان را خواست و به او گفت با این سه نفر حضوری ملاقات کن و به سبب حق

بیعتی که بر گردنشان دارم با آنان اتمام حجت کن. هم‌چنین دستور داد که با عایشه نیز گفتگو کن و به او بگو لشگر کشتی، شأن زنان نیست و تو هرگز به این کار مأمور نشده‌ای؛ ولی به این کار اقدام کردی و همراه با دیگران به سوی بصره آمدی و مسلمانان را کشتی و کارگزاران را بیرون کردی و خون مسلمانان را مباح شمردی. به خود آی که تو از سخت‌ترین دشمنان عثمان بودی. ولی قرائن نشان می‌داد که مشکل از طریق گفتگوی سیاسی حل نخواهد شد و برای رفع فتنه باید از سلاح بهره گرفت (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

سیاست امام در کاستن از نیروی دشمن

در جمادی‌الثانی سال ۳۶ هجری، امام(ع) در میان دو لشگر با سران ناکثین ملاقات کرد. امام(ع) نخست با طلحه و سپس با زبیر به این شرح سخن گفت: شما که اسلحه و قوای پیاده و سواره آماده کرده‌اید، اگر برای این کار دلیل و عذری نیز دارید بیاورید؛ در غیر این صورت از مخالفت خدا بهره‌یزید و همچون زنی نباشید که رشته‌های خود را پنبه کرد. شما همسر پیامبر را آورده‌اید که در سایه او نبرد کنید درحالی که همسر خود را در خانه نشانده‌اید. آیا با من بیعت نکرده‌اید؟

امام علی(ع) به زبیر یادآوری کرد که پیامبر به تو گفت "به خدا سوگند، تو ای زبیر با او می‌جنگی و در آن حال ستمگر هستی". زبیر پذیرفت و گفت صحیح است و اگر این ماجرا را به یاد داشتم هرگز به این راه نمی‌آمدم. به خدا سوگند که با تو نبرد نمی‌کنم (رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر با اینکه طلحه مرد جنگ بود از اصول سیاست، آن هم در موقعیت حساس، آگاهی نداشت و با سخنرانیهای خویش، گاهی موجب نارضایتی افراد حاضر در لشگر می‌شد که از قبایل مختلف بودند.

در نهایت امام(ع) به ناکثان سه روز مهلت داد؛ شاید که از مخالفت خود دست بردارند و به اطاعت او گردن نهند. اما وقتی از بازگشت آنان مأیوس شد در میان یاران خود به ایراد خطابه‌ای پرداخت و در آن فجایع ناکثان را شرح داد. امام در سخنرانیهای خویش روانشناسی اصحاب جمل را شرح داد و شعارگرایی آنها را تشریح کرد.

در روز پنجشنبه دهم جمادی‌الثانی سال ۳۶ هجری امام(ع) در برابر صفوف سپاهیان خود قرار گرفت و گفت: شتاب مکنید تا حجت را برای آخرین بار بر این گروه تمام کنیم. آن گاه قرآنی را

به دست ابن عباس داد و گفت با این قرآن به سوی سران ناکشین برو و آنان را به این قرآن دعوت کن و به طلحه و زبیر بگو که مگر با من بیعت نکردند؛ چرا آن را شکستند و بگو که این کتاب خدا میان ما و شما داور باشد. اگر خون عثمان دلیلی بر جنگ است برای گرفتن انتقام خون او فرزندش آبان از همه شایسته تر است. در مرحله آخر یکی دیگر از یاران امام قرآن را به دست گرفت و ناکشین را دعوت به پیروی از حق کرد که ایشان را با قطع نمودن دستهایش به شهادت رساندند (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷). این اتفاق جنگ را قطعی ساخت و عناد ناکثان را آشکار کرد؛ لیکن باز هم امام (ع) صبر و بزرگواری نشان داد و پیش از حمله فرمود من می دانم که طلحه و زبیر تا خون نریزند از کار خود دست بر نمی دارند؛ ولی شما آغاز به نبرد نکنید تا آنان آغاز کنند. اگر کسی از آنان فرار کرد او را تعقیب نکنید. زخمی را نکشید و لباس دشمن را از تن در نیاورید. عایشه، ناکشین را به شعار لعن کردن قاتلان عثمان دعوت نمود که امام بلافاصله به منظور خنثی کردن این فتنه نیز دستور داد تمام سپاه دعا کنند تا خداوند قاتلان عثمان را لعن کند (دشتی، ۱۳۸۲؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

سپاه چشمگیر و منظم امام (ع) ناکثان را به تکاپو انداخت و شتر عایشه را، که حامل کجاوه او بود به میدان نبرد آوردند و زمام آن را به دست قاضی بصره، کعب بن سور، دادند و او مصحفی بر گردن آویخت. تمام همت لشکر بصره این بود که شتر عایشه سرپا باشد؛ زیرا نماد ثبات و استقامت آنها بود.

جنگ آغاز شد درحالی که سرها از گردنهای می پرید، دستها از بندها قطع می شد، دل و روده ها از شکمها بیرون می ریخت؛ با این همه ناکثان ملخوار در اطراف جمل ثابت و استوار بودند. در این هنگام امام فریاد زد: «ویلکم اعقروا الجمل فانه شیطان. اعقروه و الالفیت العرب لایزال السیف قائما و راکعاً حتی یهوی هذا البعیر الی الارض.» وای بر شما! شتر عایشه را پی کنید که آن شیطان است پی کنید آن را و گرنه عرب نابود می شود. شمشیرها پیوسته برافراشته خواهند بود تا این شتر بر پا باشد.

امام (ع) برای تقویت روحیه سپاه خود از شعار «یا منصور امت» و گاهی از «حم لاینصرون» بهره می برد که هر دو شعار از ابتکارات رسول اکرم (ص) بود و در نبرد با مشرکان به کار می رفت. استفاده از این شعارها در تزلزل روحیه دشمن تأثیری عجیب داشت؛ زیرا یادآور خاطره نبرد مسلمانان با مشرکان می شد. از این رو، عایشه نیز برای تقویت روحیه سپاه جمل شعار داد که «یا بنی

الکرة، الکرة، اصبروا فانی ضامنہ لکم الجنة»: فرزندانم بردبار باشید و حمله برید که من برای شما بهشت را ضمانت می‌کنم! بر اثر این شعار، گروهی دور او را گرفتند و به قدری پیشروی کردند که در چند قدمی سپاه امام(ع) قرار گرفتند. هم‌چنین عایشه برای تحریک یاران خود مشت خاک طلبید و چون به او دادند، آن را روی یاران امام(ع) پاشید و گفت سیاه باد رویتان. او در این کار از پیامبر(ص) تقلید کرد؛ زیرا آن حضرت نیز در جنگ بدر یک مشت خاک برداشت و به سوی دشمن پاشید و همین جمله را فرمود. با مشاهده این عمل از سوی عایشه، امام علی(ع) بلافاصله با بهره‌گیری و اشاره به آیه ۱۷ سوره انفال فرمود «و ما رمیت اذا رمیت و لکن الشیطان رمی»؛ اگر در مورد پیامبر اکرم(ص) دست خدا از آستین پیامبر ظاهر شد در مورد عایشه دست شیطان از آستین او آشکار گشت (دشتی، ۱۳۸۵ الف؛ دشتی، ۱۳۸۲؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

سرانجام شتر به فرمان امام پی شد و محمد بن ابی بکر به فرمان امام(ع) خود را به کجاوه خواهر رسانید و بندهای آن را باز کرد تا ایشان آسیبی نبیند. محمد بن ابوبکر امام(ع) را از سلامتی خواهرش آگاه ساخت و امام فرمود حفاظت او را بر عهده بگیر و او را به خانه عبدالله بن خلف منتقل کن تا درباره او تصمیم بگیریم. عایشه مورد ترحم امام(ع) و برادر خود قرار گرفت ولی پیوسته زبان وی به بدگویی به امام(ع) و آمرزش خواهی بر کشتگان جمل آلوده و مشغول بود.

واقعه جمل در روز پنجشنبه دهم جمادی‌الثانی از سال سی و ششم هجری قمری رخ داد و هنوز آفتاب غروب نکرده بود که آتش نبرد با افتادن جمل عایشه و سرنگون شدن کجاوه او به پایان رسید.

شیخ مفید می‌نویسد: برخی آمار کشته‌شدگان را بیست و پنج هزار نفر نوشته‌اند درحالی‌که عبدالله بن زبیر (آتش‌افروز معرکه) این تعداد را پانزده هزار می‌داند؛ سپس شیخ مفید قول دوم را ترجیح می‌دهد و می‌گوید مشهور این است که مجموع کشته‌ها چهارده هزار نفر بوده است. طبری در تاریخ خود آمار کشتگان را ده هزار نفر نقل می‌کند که نیمی از آنان را هواداران عایشه و نیم دیگر را از یاران امام(ع) می‌داند.

مروان پس از جنگ در صدد بیعت با امام برآمد؛ امام فرمود نیازی به بیعت او ندارم که دست او دست یهودی است؛ اگر با دستش بیعت کند با پشت خود آن را می‌شکند. برای او حکومت کوتاهی است به اندازه‌ای که سگ با زبان بینی خود را پاک کند. او پدر قوچ‌های چهارگانه^(۱)

است که امت اسلام از او و پسرانش روز خونینی خواهد داشت.

امیرمؤمنان(ع) از میان کشتگان جمل می‌گذشت و با برخی از کشتگان سخنی می‌گفت. هم‌چنین ایشان بر کشتگان ناکثان از بصره و کوفه نماز گزارد و بر یاران خود که جام شهادت نوشیده بودند نیز نماز گزارد و همگان را در قبر بزرگی به خاک سپرد و اعلام عفو عمومی کرد. سپس امام در مرکز شهر به سخنرانی با مردم پرداخت شما سپاهیان آن زن و پیروان آن شتر بودید. چون صدا کرد، او را پاسخ گفتید و وقتی پس شد فرار کردید. اخلاق شما پست و پیمان شما غدر و دین شما نفاق و آب شما شور است و آن کس که در شهر شما اقامت گزیند در دام گناهانتان گرفتار شود و آن کس که از شما دوری گزیند، رحمت حق را دریابد. گویا می‌بینم که عذاب خدا از آسمان و زمین بر شما فرود می‌آید و به گمانم همگی غرق شده‌اید و تنها قله مسجدتان، همچون سینه کشتی روی آب نمایان است (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

عایشه به دلیل انتساب به رسول اکرم(ص) از احترام خاصی برخوردار بود. امام(ع) مقدمات سفر او را فراهم ساخت و به محمد بن ابی بکر دستور داد که همراه خواهر خود باشد و او را به مدینه برساند و به همه یاران مدنی خود، که علاقه‌مند بودند به مدینه بازگردند، اجازه داد که عایشه را تا مدینه همراهی کنند و به این نیز اکتفا نکرد و چهل تن از زنان با شخصیت بصره را همراه او روانه مدینه کرد. آن‌گاه او را چند میل مشایعت کرد و چهل زن که به فرمان امام(ع) در معیت عایشه قرار گرفتند به ظاهر لباس مردان پوشیدند تا بیگانگان آنان را مرد بنگارند و افکار ناروا به ذهن احدی درباره آنان و همسر رسول اکرم(ص) خطور نکند.

اکنون که تیر این یاغی به خطا رفته و شورش پایان یافته بود، باید هر چه زودتر ریشه فساد قطع و شاخه شجره ملعون بنی‌امیه از پیکر جامعه اسلامی بریده می‌شد. نزدیکترین مرکز قدرت خلافت اسلامی نزدیک به شام، کوفه است (دشتی، ۱۳۸۲؛ مهدوی دامغانی، ۱۳۷۹؛ رسولی محلاتی، ۱۴۰۴؛ شهیدی، ۱۳۷۷).

در میان فرماندهان نظامی جهان کسی نیست که به اندازه امام علی(ع) به دشمن مهلت بدهد و با اعزام شخصیت‌ها و دعوت به داوری قرآن در آغاز کردن نبرد صبر و حوصله به خرج دهد و به اصطلاح دست به دست کند تا آنجا که صدای اعتراض یاران او بلند شود. حضرت امیر علیه‌السلام در جنگ جمل در میان یاران کشته خود بدقت نظر می‌کرد و بر کسی که از پشت

سر زخم داشت، نماز نمی‌خواند و می‌فرمود: او از جهاد در راه خدا فرار کرده است و بر کسی که از پیشرو زخم داشت، نماز بجای می‌آورد (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

فتنه جمل: یکی از ویژگیهای فتنه این است که حق و باطل را با هم آمیخته و مشتبه می‌سازد. ناکثین با ترفندهای مختلف و با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای از نفوذی که در افکار عمومی داشتند، بهره بردند و با استفاده ابزاری از برخی شخصیت‌ها به فتنه‌افکنی و بحران‌سازی اقدام نمودند. از آن رو است که امام علی(ع) یکی از ویژگیهای فتنه را ورود با شبهه معرفی، و آن را به فضای گردبادی تشبیه می‌کند. به عنوان مثال در قرآن کریم و نهج‌البلاغه چنین آمده است:

"فتنه از قتل شدیدتر است" (بقره/ ۱۹۱). "فتنه‌ها هنگامی که روی می‌آورد، شبیه حق است و آن‌گاه که می‌رود و به پایان می‌رسد، حقیقت خود را می‌نمایاند و هوشیار می‌سازد" (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳).

بحران: بحرانی وضعیتی است که نظم سامانه اصلی یا قسمت‌هایی از آن را مختل می‌کند و پایداری آن را به هم می‌زند. بحران وضعیتی است که تغییرهای ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سامانه به وجود می‌آورد. هم‌چنین، بحران، رویداد یا حادثه‌ای غیرمترقبه است که عاملی طبیعی، فنی یا اجتماعی آن را به بار آورده است و نتایجی از قبیل تخریب، تلفات و یا هرج و مرج در بر دارد. شدت وضعیت بحرانیها به عوامل تشدیدکننده یا عناصر کاهش‌دهنده بحران و فنهای مدیریت و بالاخره مهار آن بستگی دارد. بحران بر اساس تعریف سامانه چنین بیان می‌شود: اجزای تشکیل‌دهنده سامانه در چهارچوب معین براساس ضوابط و معیارهای سنجیده و تنظیم‌شده روابطی که به صورت کنش و واکنش با هم برقرار می‌کند.

- بحران به اتفاق یا رویدادی گفته می‌شود که بر منافع و شهرت سازمان تأثیر می‌گذارد و جریان کارها را مختل می‌سازد.

- هم‌چنین به‌طور کلی، بحران چیزی جز تجلی برخورد تمام عواملی نیست که یکمرتبه از حالت نظم به حالت بی‌نظمی درآمده است.

- از نظر عملیاتی نیز بحران را می‌توان به صورت سامانه‌ای تجزیه و تحلیل کرد که در آن دو سری عوامل مختلف یکی محیط و ساختار سامانه و دیگری عواملی که ایجادکننده بحران است،

وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۲: ۷۸؛ الکساندر^۱، ۲۰۰۲).

مدیریت بحران: مدیریت بحران را می‌توان فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله با بحران و سالم‌سازی بعد از وقوع بحران تعریف کرد. مدیریت بحران، نظامی پویا است که با هدف کاهش احتمال وقوع بحران و کمینه‌سازی آثار و صدمات مربوط به آن و هم‌چنین بازگرداندن سامانه به وضعیت عادی و معمول طراحی شده است. مدیریت بحران، مدیران را قادر می‌سازد تا بخشی از بحرانها را از میان بردارند و برخی دیگر را به گونه‌ای مؤثر اداره کنند و ابزار لازم برای یادگیری کامل و سریع از بحرانهای واقع شده را در اختیار بگیرند (چیت‌ساز، شائمی و شفیعی، ۱۳۹۴: ۷۱). برنامه‌های مقابله با بحران، که در دو حوزه سازمانی و اجتماعی بر آمادگی تأکید دارند، مجموعه‌ای از قراردادها برای مدیریت بحرانهای آینده و احتمالی است. در جمع‌بندی کلی، مدیریت بحران بر پنج مقوله سازماندهی، ارتباطات، تصمیم‌گیری، شناخت عوامل بحران و طراحی استوار است (حیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

- هر اندازه سازماندهی نیروهای مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد، کنترل بحران آسانتر است.

- هر اندازه میزان ارتباطات بین نهادهای مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد، مدیریت بحران

کارا تر است.

- هر اندازه سرعت تصمیم‌گیری از سوی مدیریت بحران بیشتر باشد، سرعت کنترل بحران

بیشتر است.

- هر مقدار عوامل بحران برای مدیران بحران آشنا تر و شناخته‌شده‌تر باشد، کنترل بحران نیز

آسانتر است.

هم‌چنین در پژوهشهای دیگر سه نوع بحران شناسایی و بر اساس معیارهایی دسته‌بندی شده

است:

۱- بحرانهای فوری: این بحرانها هیچ‌گونه علامت هشداردهنده قبلی ندارد و سازمانها نیز قادر

به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه‌ریزی برای دفع آنها نیستند.

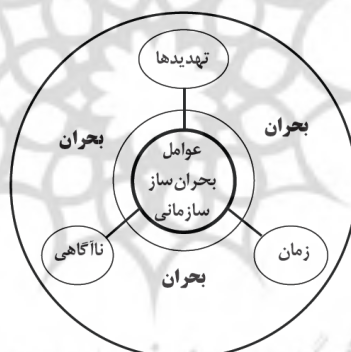
۲- بحرانهایی که تدریجی ظاهر می‌شود؛ این بحرانها به آهستگی ایجاد می‌شود. می‌توان آنها

را متوقف کرد و یا از طریق اقدامات سازمانی آنها را محدود ساخت.

۳- بحرانهای ادامه‌دار؛ این بحرانها هفته‌ها، ماه‌ها و یا حتی سالها به طول می‌انجامد. راهبردهای رویارو شدن با این بحرانها در موقعیت‌های متفاوت به فشارهای زمانی، گستردگی کنترل و میزان عظیم بودن این وقایع بستگی دارد.

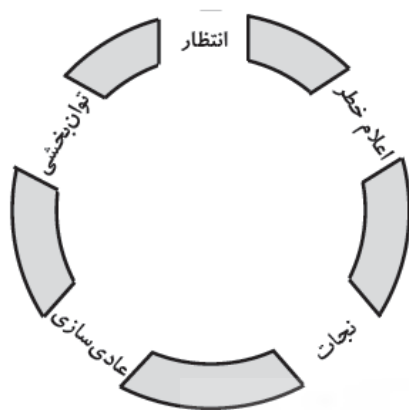
می‌توان از سه معیار سطح تهدید، فشار زمانی و شدت وقایع در طبقه‌بندی و شناسایی بحرانها استفاده کرد و می‌توان از این طریق به مدیران نشان داد که چه زمانی یک پدیده و یا یک مشکل می‌تواند با استفاده از این سه معیار به بحران تبدیل شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۵).

عوامل مؤثر در بحران: در بروز بحران عوامل متعددی مؤثر است که از جمله مهمترین آنها می‌توان به تهدیدها، ناآگاهیها و زمان در شکل‌گیری بحران به شرح شکل ۱، اشاره کرد (حبیب زاده، ۱۳۸۹).

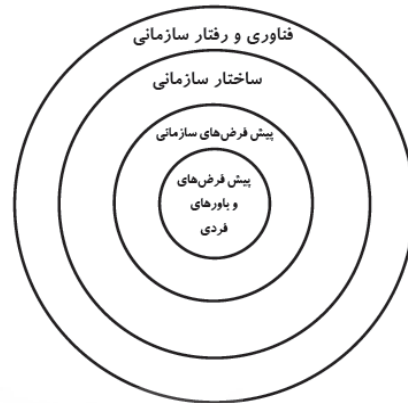


شکل ۱: عوامل مؤثر در بحران

الگوهای مدیریت بحران: بر اساس مطالعات و پژوهشها در زمینه مدیریت بحران الگوهای متعددی شناسایی، بررسی و معرفی شده است (شکل ۲، ۳، ۴، ۵). اگرچه این الگوها گامها و مراحل مختلفی برای مدیریت بحران معرفی می‌کند در چارچوب اصلی خویش، شباهتهای بسیاری دارد. این الگوها بر روند چرخشی و دورانی تأکید دارد که نشان از ادامه داشتن، در جریان بودن و رخ دادن همیشگی بحرانها دارد؛ بدین منظور اصل یادگیری و بازیابی از اصول مهم در مدیریت بحران است (ایدلخانی، اخوان و حسنوی، ۱۳۹۵: ۶۶ تا ۶۷). در مدیریت کارآمد بحرانها و جلوگیری از صدمات و تأثیرات منفی، بهره‌برداری از فرصتها بسیار مؤثر است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۶۹).



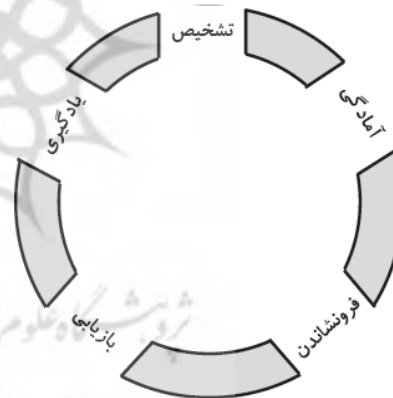
شکل ۳: الگوی چرخه لجات ۱۹۹۰
(روشندل اربطانی، ۱۳۸۸: ۶۹)



شکل ۲: الگوی پیازی مدیریت بحران
(روشندل اربطانی، ۱۳۸۸: ۶۷)



شکل ۵: الگوی چرخشی شکل مدیریت بحران
(روشندل اربطانی، ۱۳۸۸: ۷۳)



شکل ۴: الگوی پنج مرحله‌ای میتراف و پیرسون ۱۹۹۷
(روشندل اربطانی، ۱۳۸۸: ۶۹)

روش شناسی مدیریت بحران: اولین قدم در مدیریت بحران، افزایش ظرفیت فکری و روحی، حفظ آرامش خود و محیط سازمانی است که در قرآن کریم از آن به شرح صدر یاد شده است. حضرت موسی وقتی از جانب خداوند متعال مأموریت رهبری بنی اسرائیل و درگیری با فرعونیان را دریافت می‌کند، نخستین چیزی که به عنوان ابزار این مأموریت از خداوند می‌خواهد "شرح

صدر" است (حبیب زاده ملکی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). دومین گام در مدیریت بحران، شناسایی ماهیت بحران است که مدیران باید به میزان اهمیت آن به شیوه‌ای عملی و اصولی برنامه‌ریزی، و با ارائه راهکارها و سیاستهای مناسب هرچه سریعتر آن را کنترل کنند. سومین گام، تشکیل گروه مدیریت بحران است. این گروه می‌تواند از مدیران رده پایین، متوسط و ارشد تشکیل گردد. هر کدام از این سطوح، وظیفه آماده‌سازی و آموزش کارکنان را در طول رده‌های مختلف بر عهده دارند. گام چهارم، تشکیل شبکه اجرایی گروه بحران است.

اصل ارتباط در زمان بحران: اطلاعات و ارتباطات همواره در جنگها به عنوان ابزاری مهم و حیاتی مورد توجه بوده و بر سرنوشت جنگ تأثیرگذار است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸). اصل برقراری ارتباط در زمان بحران بسیار حائز اهمیت است. مؤثرترین راه از بین بردن مشکلات و نیز بحرانها، داشتن ارتباط مناسب با مخاطبان است. نبود ساختار ارتباطی همسو و همزمان بین تمامی ذی‌نفعان در هر یک از مراحل مدیریت بحران می‌تواند به اختلال در فرایند مدیریت بحران منجر گردد (نصیبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴). برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان و ایجاد فضای آرام و مطلوب در راستای مدیریت بحران از اصول لازم مدیریت بحران کارآمد است. این اصل تماماً توسط امام و فرستادگان ایشان از پیش از شکل‌گیری بحران تا زمان پایان آن و پس از آن مورد توجه و اجرای کامل بوده است.

روش پژوهش

می‌توان این تحقیق را به لحاظ جهتگیری پژوهش از نوع کاربردی و از لحاظ نوع پژوهش پیمایشی با تحلیل محتوا بیان کرد. هم‌چنین می‌توان این مطالعه را به لحاظ هدف پژوهش از نوع اکتشافی - تبیینی دانست. در این تحقیق، ابتدا ادبیات و مبانی نظری مرتبط با جنگ جمل و مدیریت بحران مورد واکاوی دقیق قرار گرفته است؛ سپس با بهره‌گیری از نگاشته‌های پویا شناسی سیستمی، سیره عملی حضرت علی(ع) در مدیریت بحران جنگ جمل بررسی، و با مشارکت خبرگان حوزه و دانشگاه تحلیل شده است.

این پژوهش براساس روش علمی صورت پذیرفته است. در ابتدا تمام مستندات و مدارک علمی مربوط به جنگ جمل و سیره مدیریتی آن شناسایی شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. بر پایه نظر خبرگان حوزه و دانشگاه و با بهره‌گیری از مصاحبه، طی روند تحلیل محتوا مؤلفه‌های

مربوط شناسایی و نگاشته شده است. مصاحبه‌ها نیمه ساختاریافته و هدایت‌شونده برگزار شده و انتخاب خبرگان حوزه و دانشگاه براساس معیارهای مشخص شده با حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد و حداقل پنج سال سابقه مطالعاتی مرتبط است. مشخصات خبرگان مشارکت‌کننده در این پژوهش به شرح جدول ۱، است. در ادامه سیره عملی حضرت علی (ع) با روشها و الگوهای مدیریت بحران مقایسه شده و چگونگی مدیریت بحران جنگ جمل توسط حضرت با بهره‌گیری از نگاشته‌های پویاشناسی مورد واکاوی قرار گرفته است.

جدول ۱: ویژگیهای خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	رشته	تحصیلات	دانشگاه محل تحصیل/خدمت	ردیف	رشته	تحصیلات	دانشگاه محل تحصیل/خدمت
۱	مدیریت و حوزه	دکتری	دانشگاه قم	۵	مدیریت و حوزه	دکتری	مؤسسه امام خمینی (ره)
۲	مدیریت	دکتری	دانشگاه مالک اشتر	۶	مدیریت	دکتری	دانشگاه تربیت مدرس
۳	مهندسی صنایع	دکتری	دانشگاه یزد	۷	مدیریت	دکتری	دانشگاه تربیت مدرس
۴	مدیریت	کارشناسی ارشد	دانشگاه تهران	۸	مدیریت	کارشناسی ارشد	دانشگاه اصفهان

یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر در بحران جنگ جمل: با توجه به عوامل تأثیرگذار در بحرانها (زمان، ناآگاهی، تهدیدها) که مطابق با شکل ۱ بیان شد، موارد تأثیرگذار در بحران جنگ جمل به شرح جدول ۲ بر اساس بررسی و مشارکت خبرگان حوزه و دانشگاه، شناسایی شد.

جدول ۲: عوامل مؤثر در بحران در جنگ جمل

عوامل بحران‌ساز از نگاه علمی	زمان	تهدیدها	ناآگاهی
عوامل بحران‌ساز در جنگ جمل	کشته شدن عثمان، خلیفه سوم به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) نافرمانی حاکم شام	جاه‌طلبی برخی افراد و گروه‌ها (طلحه و زبیر) چگونگی بازستانی بیت‌المال از متجاوزان نارضایتی عایشه از خلافت حضرت علی (ع) فساد نظام اسلامی پس از حکومت خلیفه سوم عزل برخی فرمانداران فاسد	ناآگاهی برخی عوام فریب خوردن برخی خواص مخلوط کردن حق و باطل شخصیت‌محوری به‌جای حق‌محوری

بررسی روند مدیریت بحران در جنگ جمل: بر اساس مطالعه و بررسی الگوهای مدیریت بحران و حوادث جنگ جمل، اکنون می‌توان به شناخت سیره عملی مدیریت بحران حضرت علی(ع) در جنگ جمل به شرح جدول ۳، نزدیک شد.

جدول ۳: تطبیق سیره عملی مدیریت بحران حضرت علی(ع) با فرایند مدیریت بحران

سیره امام علی (ع)	فرایند مدیریت بحران	مراحل مدیریت بحران
پیش‌بینی بحران هنگام اصرار بر پذیرش خلافت تاکید بر بازپس‌گیری بیت‌المال و نارضایتی افراد	پیش‌بینی	قبل از بحران
اقدام در جهت تغییر حاکمان شهرها ایراد خطبه و سخنرانیهای مختلف به منظور آگاه‌سازی و پیشگیری از وقوع فتنه اعزام نمایندگان و سفیران متعدد به منظور بازگشت و توبه ناکثین ارجاع به سخنان رسول اکرم(ص) و نص صریح قرآن کریم	پیشگیری	قبل از بحران
شناسایی بحران در نیمه راه سفر به شام و تغییر مسیر به منظور مدیریت بحران	تشخیص	قبل از بحران
سازماندهی دوباره لشکر و اردوگاه نظامی آماده سازی فرهنگی و فکری افراد به منظور مدیریت بحران فرستادن نمایندگان سرشناس و معتمد به قبایل برای آماده کردن قوای نظامی گروه‌بندی و گروه‌سازی تمام کردن حجت بر ناکثین کاستن از سپاه دشمن و هدایت برخی از ناکثین آغاز نکردن جنگ تا زمان آغاز نبرد از سوی سپاه جمل	آمادگی	شروع بحران
ارتقای روحیه افراد در هنگام عملیات با شعارهای الهام‌بخش مدیریت یکپارچه صحنه عملیات و تعیین وظایف افراد تمرکز بر اجرای سریع عملیات با حداقل هزینه (جانی و مالی) ممکن مأمور کردن محمد ابن ابوبکر برای حفاظت از جان خواهر (عایشه) باز گذاشتن راه فرار برای متواریان سپاه جمل پی کردن شتر عایشه	عملیات	هنگام بحران
جمع‌آوری زخمی‌ها و اسیران ارج نهادن به همسر پیامبر و اعزام ایشان به یکی از بزرگترین خانه‌های شهر ارج نهادن به شهیدان جنگ و زخمی‌ها اعلام عفو عمومی در شهر بصره فرستادن همسر پیامبر به مدینه به همراهی ۴۰ نفر از بانوان سرشناس شهر و مشایعت اندک ایشان آماده شدن برای نبرد با معاویه در شام سوزاندن شتر عایشه	بازیابی و بازسازی	پس از بحران
نماز نگزاردن برای کشته‌شدگان فراری سپاه خویش سخنرانی و تأدیب مردم پیش‌بینی رخدادن حوادث آینده	یادگیری	پس از بحران

موارد ذکر شده در جدول، بر اساس مطالعه مبانی نظری و ادبیات موضوع استخراج و در کارگروهی با مشارکت خبرگان حوزه و دانشگاه بررسی شده است.

پویا شناسی سیره عملی مدیریت بحران امام علی(ع) در جنگ جمل

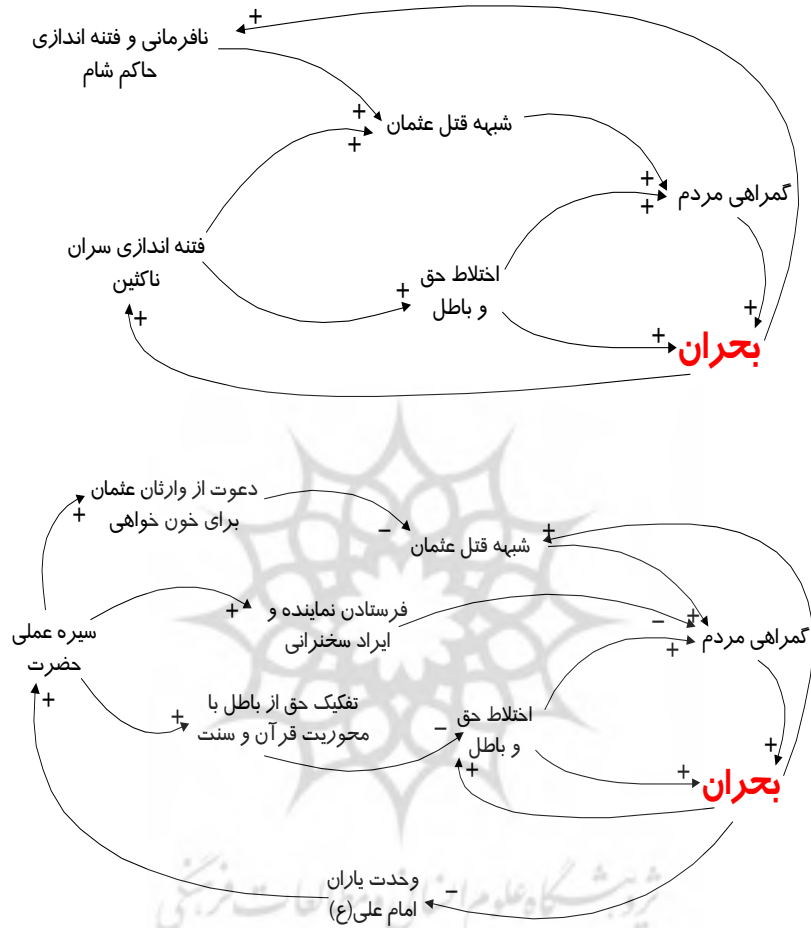
نظریه تعادلی در مدیریت بحران: یکی از عوامل مؤثر بر تداوم بحرانها بویژه در بحرانهای ایجاد شده بر اثر حوادث، تداخل مدیریتها و نیز ناهمگونی دیدگاهها در ارزیابی بحران و در نتیجه نرسیدن به اتحاد و همبستگی در چگونگی مدیریت بحران پیش رو است. هرگاه تعادل ما بین نیازمندیها و توانمندیهای سامانه زنده و پویا، که تابع قوانین و اصول تعیین شده است، بنا به هر دلایلی برهم خورد، سامانه دچار بحران می‌شود. در این نظریه چهار عامل مؤثر در بروز و مدیریت بحران، توانمندیها / نیازها / قوانین و ساز و کارهای مربوط است (سعیدی، ۱۳۸۴).

پویا شناسی سیره عملی مدیریت بحران امام: روشهای پویا شناسی سیستمی نه تنها ادعای شناخت قوانین حاکم بر تحولات را دارد، بلکه با ابزارهای خویش امکان ساختن الگویی از پدیده‌های واقعی را نیز دارد که تا حد زیادی ویژگیهای پدیده‌ها را در عالم دارد. این روش مسئله‌گرا است و نه سامانه‌گرا و به دنبال بررسی مسائل است و البته نه هر مسئله‌ای؛ مسئله‌ای که دارای حداقل دو شرط پویایی و دارا بودن بازخورد باشد. بر اساس این رویکرد پویایی سامانه‌ها ناشی از حلقه‌های بازخورد است و پژوهشگر باید همواره تلاش کند تا زنجیره‌های علت و معلولی را به صورت حلقه‌های بازخوردی بیان کند. حلقه‌های بازخوردی می‌تواند مثبت یا منفی باشد (فرتوک‌زاده، ۱۳۷۱؛ فرتوک‌زاده، ۱۳۷۲ الف؛ فرتوک‌زاده، ۱۳۷۲ ب). جنگ جمل از جمله جنگهای پر فتنه دوران خلافت حضرت است که از بعد فرهنگی و روانی بسیار حساس، و دارای وضعیت خاص خود است که سرشار از رفتارها، فتنه‌ها و حوادث بحران برانگیز و دارای روابط علت و معلولی پیچیده است؛ لیکن آن حضرت بر اساس عنایات خاص الهی و ویژگیهای منحصر به فرد خویش توانسته‌اند چون مدیری لایق و کارآمد جنگ را در تمامی ابعاد بویژه بعد بحران، مدیریت کنند و واکنش و اقدامات مناسبی را برگزینند. تجربه جنگ جمل بازگوکننده مصداق سیره عملی امام در مدیریت کردن رفتارهای بحران برانگیز و دفع فتنه‌های متعدد است. در جدول و نمودارهای ذیل سعی شده است نمونه‌هایی از سیره مدیریت بحران امام علی(ع) در جنگ جمل و راهکارهای اجرایی توسط ایشان در مقابل رفتارهای ناکثین ارائه گردد (جدول ۴). در نمودارهای پویا شناسی به بررسی روابط علت و معلولی در حوادث درباره جنگ جمل پرداخته و سیره عملی صورت

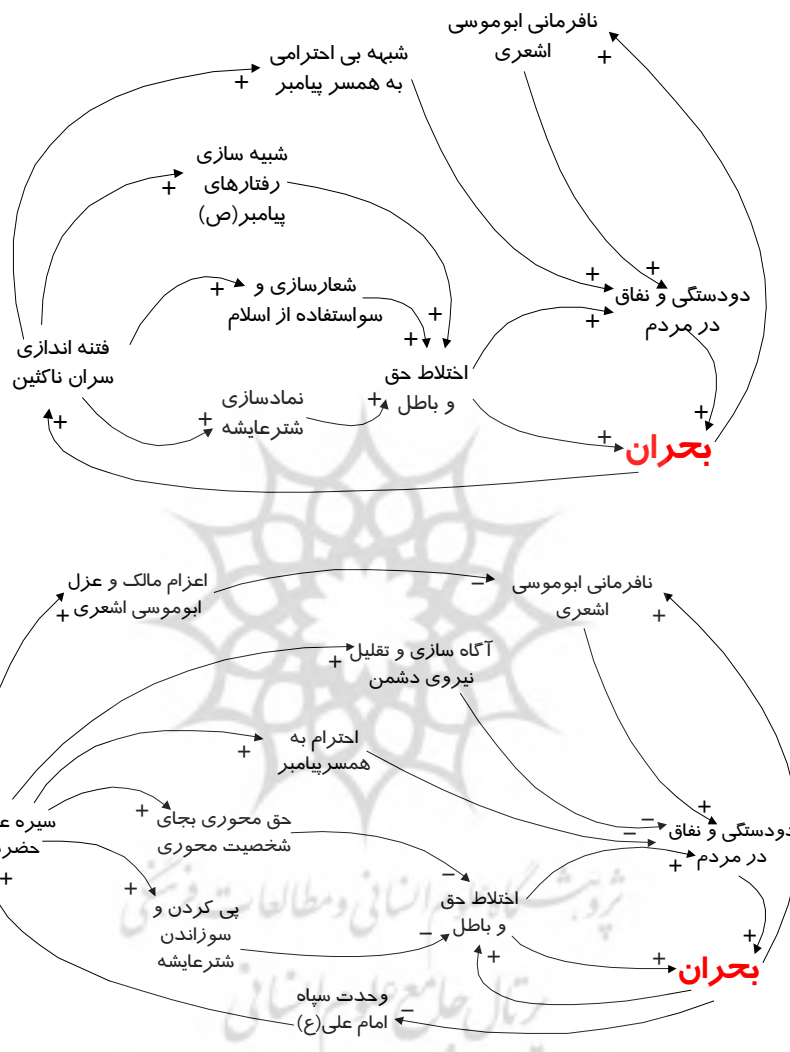
پذیرفته توسط حضرت علی به منظور مدیریت نمودن حوادث جنگ در ادامه نمودارهای پویا شناسی ارائه شده است. (شکل ۶- ۷)

جدول ۴: سیره امام در بحران آفرینی ناکتین

ردیف	رفتار بحران آفرین ناکتین	سیره امام علی(ع)
۱	بهبان کردن کشته شدن عثمان (پیراهن عثمان)	آگاه‌سازی مردم و دعوت از وارثان عثمان برای خونخواهی
۲	تخریب روحیه و شخصیت فرماندار بصره	تلطیف و برعکس نمودن جو محیط و احترام گذاشتن به وی
۳	نافرمانی ابوموسی اشعری	اعزام مالک اشتر و عزل وی از فرمانداری کوفه
۴	استفاده از شعار اسلامی و روحیه‌بخش	بهره‌برداری از شعار اسلامی متقابل و از بین بردن اثر شعار مقابل
۵	نماد نمودن شتر عایشه	دستور به پی‌کردن سریع شتر
۶	شعار لعن کردن قاتلان عثمان	دعای درخواست لعن کردن قاتلان عثمان از خداوند
۷	اختلاط حق و باطل	جدا کردن حق از باطل با محوریت قرآن و سنت پیامبر(ص)
۸	شخصیت‌محوری به جای حق‌محوری	تشریح جایگاه حق و باطل و تمیز دادن آن از شخصیت‌ها
۹	جمع‌آوری نیرو و جذب مردم	آگاه‌سازی و کاهش نیروی دشمن
۱۰	انجام دادن رفتارهای نمادین (شبیبه پیامبر(ص)) توسط عایشه	ختنی کردن شبیبه‌سازی عایشه به پیامبر(ص) به استناد آیات قرآن
۱۱	ایجاد شبیه بی‌احترامی به همسر پیامبر (ام‌المؤمنین)	تدبیر زیرساخت‌هایی به منظور احترام به عایشه



شکل ۶: نمودارهای پویا شناسی پیش از جنگ جمل



شکل ۷: نمودارهای پویا شناسی هنگام جنگ جمل

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سیره مدیریت بحران حضرت علی(ع) در جنگ جمل سرشار از آموزه‌هایی است که با رویکردهای نوین مدیریت بحران هماهنگ است با این مزیت که علاوه بر بهره‌برداری از تمامی

ظرفیتها و فنهای مدیریت بحران علمی از ظرفیتهای اسلامی و قرآنی نیز بهره‌برداری حداکثری صورت پذیرفته است.

بر پایه این پژوهش مشاهده می‌شود که بهره‌گیری از تمامی استعدادها در اختیار، نگرش مصلحت‌اندیشی جامع برای افراد حاضر و آینده‌جامعه و رویکرد یادگیرنده و آموزشی در رفتار مدیریتی ایشان کاملاً مشهود و برجسته است. شناسایی و مدیریت مدیرانه فتنه‌ها و بحرانهای طول جنگ جمل نیز از نکات حائز اهمیت در سیره عملی حضرت است.

سیره عملی ایشان بر بهره‌گیری کامل و حداکثری از استعداد و توانمندیهای دینی، فرهنگی، اجتماعی و... تأکید دارد و رویکردی یادگیرنده و آموزشی به‌منظور پیشگیری از بحرانهای آینده را مد نظر قرار می‌دهد. هم‌چنین ایشان در سیره عملی خویش به دنبال بازیابی و بازسازی شخصیت‌های مهم و محوری جامعه از جمله عایشه به عنوان ام‌المؤمنین بودند که بر بازسازی شخصیت جامعه و زیرساختهای شهری تأکید دارد. در این پژوهش نشان داده شد که سیره عملی حضرت، تمامی مؤلفه‌های مدیریت بحران را در جنگ جمل مورد توجه قرار داده است. ایشان به پیش‌بینی بحران قبل از وقوع پرداخته‌اند و سعی در پیشگیری و تشخیص آن داشتند. ایشان هنگام بحران سریعاً به روند آماده‌سازی و عملیات پرداختند و پس از بحران، بازسازی و یادگیری را مورد توجه قرار دادند. بویاشناسی سیره حضرت نشان می‌دهد هر زمان که رفتار و کنش ناگتین موجب ایجاد اخلال و بروز حلقه‌های تشدید (حلقه‌های بازخوردی مثبت) در جامعه می‌شود و بحران را تشدید می‌کند، حضرت با رفتار و کنش مدیریتی خویش موجب به‌وجود آمدن حلقه‌های تعادلی (حلقه‌های بازخوردی منفی) و کاهش بحران می‌گردد. سیره حضرت به گونه‌ای است که بر نظریه تعادل در بحران به دنبال ایجاد حلقه‌های تعادلی و توازن در سامانه منطبق است.

با توجه به نتایج این پژوهش، بهره‌گیری از ابزارهای نوین به‌منظور شناخت بهتر سیره پیامبران و ائمه اطهار(ع) پیشنهاد، و بهره‌گیری از آموزهای علمی و عملی ایشان در کنار مکاتب مدیریت توصیه می‌شود. بویژه در کشور ایران اسلامی، می‌توان از سیره ائمه معصومین به‌منظور بهره‌گیری از ظرفیت و استعدادها فراوان حوزه علوم اسلامی و دینی در کنار علوم مدیریتی به‌منظور ارتقای حداکثری کارایی و اثربخشی اقدامات بهره‌برد. سیره حضرت علی(ع) در بحران جنگ جمل و چگونگی رفتار، سازماندهی و بسیج نیروی انسانی و انجام دادن اقدامات مؤثر و بهنگام ایشان می‌تواند به عنوان الگویی منحصر به فرد برای مدیریت بحرانهای پیش رو مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت

۱ - تمام آنچه امام فرموده است واقع شد و مروان در موقعی به خلافت رسید که ۶۵ سال از عمرش گذشته بود و بیش از ۹ ماه حکومت نکرد. هم‌چنین، مراد از پدر قوچه‌ای چهارگانه، فرزندان مروان یعنی «عبدالملک»، «عبدالعزیز»، «بشر» و «محمد» هستند. عبدالملک به خلافت رسید و عبدالعزیز حاکم مصر و «بشر» والی عراق و «محمد» فرماندار «الجزیره» گردید و آنها در مکر و حيله و گمراه کردن مردم مانند پدرشان بودند.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: نشر دارالقرآن کریم.
- نهج البلاغه. ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام. تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- ایدلخانی، یاسمن؛ اخوان، پیمان؛ حسنوی، رضا (۱۳۹۵). مدل ترکیبی مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی: رویکردی مناسب برای مواجهه با بحرانها در جمهوری اسلامی ایران. *مجله مدیریت بحران*. دوره ۵. ش ۱۰: ۶۵ تا ۷۶.
- چیت‌ساز، علی؛ شائمی برزکی، علی؛ شفیعی باغبدرانی، شیما (۱۳۹۴). تحلیل تأثیر زیرساختهای تسهیم دانش بر بهبود کیفیت اجرای عملیات مدیریت بحران از طریق یادگیری سازمانی. *مجله امداد و نجات*. دوره ۷. ش ۱: ۷۰ تا ۸۷.
- حبیب‌زاده ملکی، اصحاب (۱۳۸۹). راهبردهای رسانه‌ای در مدیریت بحران. *فصلنامه توسعه*. سال ۵. ش ۱۸: ۱۰۳ تا ۱۲۳.
- حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۲). بررسی میزان تأثیر مدیریت راهبردی بر کیفیت عملیات مدیریت بحران. *دو فصلنامه مدیریت بحران*. ش ۲: ۷۷ تا ۸۶.
- دشتی، محمد (۱۳۸۲). *امام علی (ع) و امور نظامی*. چ دوم. قم: نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دشتی، محمد (۱۳۸۵ الف). *امام علی (ع) و امور اطلاعاتی*. امنیت. چ سوم. قم: نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دشتی، محمد (۱۳۸۵ ب). *امام علی (ع) و مدیریت*. چ سوم. قم: نشر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۴۰۴). *زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام*. انتشارات علمیه اسلامیه.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۸). تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت. *فصلنامه دانش انتظامی*. س دهم. ش دوم: ۶۳ تا ۸۰.
- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷). *قضاوت‌های امیرالمؤمنین علی (ع)*. نور قرآن و اهل بیت (ع). قم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۹۵). *دستنامه مدیریت بحران*. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- سعیدی، علیرضا (۱۳۸۴). *نظریه تعادل در مدیریت بحران*. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه. تهران.

شیرازی، حسین؛ امیرصوفی، رحمت‌الله؛ اوطاد العجم، عباس؛ فلکی، آرش (۱۳۹۰). ارائه طرح معماری جنگ اطلاعاتی. فصلنامه مدیریت نظامی. ش ۴۲: ۱۲۷ تا ۱۴۶.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۷). علی از زبان علی یا زندگانی امیرمؤمنان علی (ع). چ پنجم. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۳۷۱). نگاهی بر پویایی سیستم‌ها (۲). دانش مدیریت. ش ۱۹: ۲۵ تا ۳۴.

فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۳۷۲الف). نگاهی بر پویایی سیستم‌ها (۳). دانش مدیریت. ش ۲۰: ۳۰ تا ۴۰.

فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۳۷۲ب). نگاهی بر پویایی سیستم‌ها (۴). دانش مدیریت. ش ۲۳: ۶۹ تا ۸۱.

نصیبی، مهدی؛ مدیری، محمود؛ نکویی، محمدعلی؛ حسنی، رضا؛ نوری، مهدی (۱۳۹۴). ایجاد مدل تعاملی اطلاعات و فعالیت های ذی نفعان مدیریت بحران در صنعت با رویکرد مهندسی همزمان. مطالعه موردی:

ایران خودرو. مجله مدیریت بحران. دوره ۴. ش ۸: ۲۳ تا ۲۶.

مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۷۹). جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه. ابن ابی الحدید. ج اول. چ سوم. تهران. ۲۱۰ تا ۲۲۰.

D. Alexander (2002). From civil defence to civil protection-and back again. **Disaster Prevention and Management** , vol. 11, no. 3, 209-213.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی